

نظری بر آغاز و پایان سی و نهمین جشنواره فیلم فجر

جشنواره‌های در تلاطم امواج بحران



علیرضا بخشی استوار

نظر نمی آمد و البته بیشتر شاید بحث سهم خواهی و موانعی بود که به واسطه شرایط غیرعادی به وجود آمده بود.

موافقتی که ناگهان مخالف شدند

بسیاری از منتقدان از ابتدا می گفتند که جشنواره به دلیل سیاست گذاری هایی که برآمده از شرایط بحرانی کنونی است، شکلی معلق و پادرسا دارد و این معلق بودن فیلمسازان و صاحبان آثار را در ابهام فرو می برد. عده ای برگزاری جشنواره را مساوی با افزایش مرگومیر ناشی از کرونا می دانستند و البته بودند کسانی که تا قبل از اعلام نامزدها و فهرست نهایی فیلم های راه یافته به مسابقه «سودای سیمیر» از برگزاری جشنواره حمایت می کردند و بعد از اعلام این خبر، ورق آن ها هم برگشت و تبدیل به منتقدان سرسخت جشنواره شدند تا جایی که در خبرگزاری هارو، روزنامه هوب و سایت های خبری هر روز مطلب یا گفتگویی از آنها

علیه جشنواره منتشر می شد. قطع به یقین اگر جشنواره برگزار نمی شد، منتقدانی بودند که عدم برگزاری جشنواره را حاصل ضعف در سیستم مدیریت می خواندند. هر چند که بعد از برگزاری هم این مسئله را هم چنان مطرح می کردند.

تغییر سیاست ها فراتر از خواست مدیران بود

البته باید در مسیری کلی تر به مسائل فرا جشنواره ای نگاه می کرد. جشنواره ها در سال گذشته و با حذف هیئت انتخاب از جشنواره تعداد ۱۱۰ فیلم در آن ثبت نام می کنند و حدود ۶۰ فیلم پس از انطباق با آیین نامه برای داوری انتخاب می شوند؟ سوال اینجاست که در کجای جهان تولیدات سالانه با لاقال دوسال یک کشور در حوزه سینما به عددی سه رقمی می رسد؟ البته باید این را هم مدنظر داشت که بخش زیادی از فیلم ها با هدف گیشه تولید

مردمی برای جمع محدودی از مردم به برنامه جشنواره اضافه شد و این تغییر سیاست ها به دلیل این که وابسته به امری فراتر از خواست مدیران بود، در شرایطی چنین بحرانی طبیعی به نظر می رسد و از طرفی انگیزه های را برای سینماگران زنده نگه می داشت.

مشتم نمونه خروار است

به دلیل آن که تنها ۱۶ فیلم از میان ۶۲ فیلم پذیرفته شده در دبیرخانه جشنواره به نمایش در آمدن راه گشوده شد که بسیاری از سینماگرانی که به این نقطه راه پیدا نکردند عنوان کنند فیلم هایشان نسبت به فیلم های اکران شده کیفیت بهتری داشته و به همین دلیل سعی در آن داشتند که وضعیت را به گونه ای وارونه نشان دهند. بسیاری از این منتقدان چنین القای می کردند که بخشی از این فیلم ها با فشار، سفارش یا زدوبند به بخش مسابقه راه پیدا کردند و در باره فیلم های دیگر حق خوری صورت گرفته است. البته که نمی توان از ملاحظات عمومی جشنواره چشم پوشی کرد، اما نکته آن جاست که فیلم های جشنواره با همه ضعف ها و قوت هایی که داشتند، قابل دفاع بودند. اگر چه کیفیت اکثریت این فیلم ها به لحاظ موضوع، ایده و پرداخت ضعیف یا متوسط و گاه کلیشه ای به نظر می آمد ولی آن چنان که نقل کرده اند همیشه مشتم نمونه خروار بوده و فیلم هایی که به نمایش در آمدند با یک اختلاف کم انعکاسی از آثاری هستند که در سینمای ایران تولید می شوند، بی آن که به تماشا در آمده باشند. هر چند عده زیادی از منتقدان حذف «قاتل و وحشی» از جشنواره را بر جسته کردند

جشنواره فجر چه بخواهیم چه نخواهیم مهم ترین و بزرگترین سینمای ایران است و در چنین شرایط بحرانی، بر خورد سیاسی با این رویداد و غرض ورزی هایی که انصافی در آن نیست قطعاً راه به جایی نخواهد برد و هیچ مسیر غلطی را به سوی در ستش رهنمون نخواهد شد

تا به جشنواره بتازند و البته شاید که از سوی دبیر و مسئولان جشنواره هم برای حضور این فیلم در فجر ۳۹ تلاش مجدانه و پیگیرانه ای نشد اما حتی اگر «قاتل و وحشی» هم به جشنواره راه پیدا می کرد شرایط تغییر چشمگیری نداشت. مسئولان جشنواره تلاش کردند که فیلم فجر را در سالی پر فراز و نشیب و پر بحران با کمترین حاشیه برگزار کنند و تصمیم آنها برای برگزاری جشنواره در این شرایط تصمیمی ریسک پذیر و به نوعی جسورانه بود حتی اگر منافع بسیاری برای افراد برگزار کننده در پی داشته باشد. مادر ایران زندگی می کنی و جشنواره فجر چه بخواهیم چه نخواهیم مهم ترین و بزرگترین سینمای ایران است و در چنین شرایط بحرانی، بر خورد سیاسی با این رویداد و غرض ورزی هایی که انصافی در آن نیست قطعاً راه به جایی نخواهد برد و هیچ مسیر غلطی را به سوی در ستش رهنمون نخواهد شد.



تئاتر

پوستر هجدهمین جشنواره نمایش عروسکی رونمایی شد



پوستر هجدهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران - مبارک عصر روز شنبه ۲۵ بهمن ماه رونمایی شد.

به گزارش ایلنا، این مراسم دوستانه با رعایت پروتکل های بهداشتی و با حضور ستاره رضایی راد، فرزند خردسال یکی از شهدای مدافع سلامت، حمید قیادی، دانا مشاور اجرایی معاونت هنری، قادر آشنا، مدیر کل هنرهای نمایشی، مهدی افضل، مدیر عامل بنیاد رودکی، بهروز غریب پور عضو شورای سیاست گذاری جشنواره، نمایش عروسکی و مدیران بخش های مختلف این جشنواره، در سالن انتظار تالار وحدت برگزار شد. پوستر این دوره از جشنواره که توسط فرزاد ادیبی طراحی شده است، طی یک اجرای کوتاه خیمه شب بازی با سرپرستی سیاوش سستاری، مدیر بخش نمایش های آیینی سنتی رونمایی شد. در این برنامه بهروز غریب پور در سخنان کوتاهی، یاد گلزار محمدی، دبیر فقید این جشنواره را گرامی داشت و گفت: در این روز گار کرونایی همین گر دهمای کوچک هم جای خوشحالی دارد. جشنواره نمایش عروسکی به نام «مبارک» مزین شده است و امید که پر پرکت و مبارک باشد. او ادامه داد: امید داریم روح گلزار عزیز قرین رحمت باشد. جایش همواره در دل های ماست و امیدواریم جشنواره ای آبرومند برگزار کنیم. غریب پور از تلاش های دست اندر کاران جشنواره که در شرایط دشوار فعلی، این رویداد هنری را پویا نگه داشته اند، قدر دانی کرد. سپس مهدی حاجیان، دبیر اجرایی جشنواره در توضیحات کوتاهی، یاد گلزار محمدی را گرامی داشت و به نمایندگی از جشنواره هدهدی های را که شامل چند عروسک بود، به ستاره رضایی راد، دختر ۹ ساله ای که فرزند سپیده سپیدنامه، پرستار بیمارستان مصطفی خمینی و جزو شهدای مدافع سلامت بوده است، اهدا کرد.

در پایان هنرمندان و مدیران حاضر در برنامه به همراه ستاره، پوستر جشنواره را امضا کردند و عکس یادگاری گرفتند. مدت زمان این برنامه حدود ۳۰ دقیقه بود و تمام پروتکل های بهداشتی در آن رعایت شد. هجدهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران - مبارک با یاد زنده یاد گلزار محمدی، دبیر فقید این جشنواره و یاد دبیری اجرایی مهدی حاجیان، دهم تا هفدهم اسفند سال جاری با بهره گیری از ظرفیت های فضای مجازی بر گزار می شود.

گردشگری

شروط سفرهای نوروزی اعلام شد



سخنگوی ستاد ملی مبارزه با کرونا پس از آخرین جلسه این ستاد به مصوبه های مربوط به سفرهای نوروزی اشاره ای کلی کرد و رفع محدودیت ها و برقراری سفر در تعطیلات نوروزی را مشروط به این دانست که «در یک و نیم ماه باقی مانده تا پایان سال، شرایط را مناسب نگه داریم».

به گزارش ایسنا علیرضا ضاریانی افزود: قرار است سفرها طبقه بندی شوند که بخشی از این سفرها به صورت برنامه ریزی شده و با تور خواهد بود که از طریق دفاتر خدمات مسافرتی دارای مجوز اجرا می شود؛ این بخش را از طریق سامانه ثبت تور که می توان مدیریت و کنترل کرد در این کد که روی وسیله نقلیه نصب می شود، نام راهنما، آژانس و اتومبیل نیز مشخص است. دغدغه بیشتر مربوط به سفرهایی است که مستقل و بدون برنامه ریزی انجام می شود که برقراری این نوع سفرها به ارائه رزرو محل اقامت مشروط شده است.

به قدری قابل اتکا هستند که جوان ترهایی توانند با خواندن آثار ایشان یاد بگیرند و طنز را عمیق تر درک کنند. در ست است که با رفتنشان احساس خسران می کنیم، اما می دانیم که قامت بلند و استوار آنها در ادبیات طنز نمی گذارد که طنز مکتوب زمین بخورد. طنز تاریخ مصرف دار، مد این روزها است. نوشته هایی مخصوص جریدها و ویدئوهای چند دقیقه ای برای ویرال (پربازدید) شدن در اینستاگرام و... نوشته های استاد احترامی اما تاریخ مصرف ندارند. از همان زمان تا امروز می شود خواندشان، خندید، تفکر کرد و آموخت.

چرا مشاهیر را کم می شناسیم؟

اگر این سؤال مدام در ذهن شما هم چرخ می خورد که چرا چهره هایی مثل استاد احترامی را کمتر از چهره های امروزی می شناسیم، باید بگویم که علت این گمنامی و شهرت کمتر را باید به عهده رسانه ها و بعد مخاطبان گذاشت. رسانه هایی که در معرفی بزرگان کم می گذارند و بعد ما مخاطب هایی که حافظه مان را از حاشیه زندگی سلبریتی ها پر می کنیم و مجال و جایی برای مشاهیر مان نمی گذاریم. آنها جلوی چشم نیستند و باید دنبال شان گشت! احترامی در مجلاتی مثل توفیق، کشکیات، کاریکاتور، گل آقا و... به شایستگی و خوش سلیقه ای هر چه تمام تر کلمه ها را روی کاغذ آورد. از آثار او می توان به مثل «کنه چسبیدن»، «گردن کلفتی»، «کی بود رفت زیر میز»، «همان های ناخوانده»، «طنز آوران امروز ایران» و... اشاره کرد. از منوچهر احترامی باید با احترام یاد کرد، کسی که شعارش این بود: «پاینده باد صلح و صفای گور بابای جنگ طلبان!».

بهر سیم یا آوانسته ایم محتوایی در خور برای بچه ها تولید کنیم که هم ریتمیک باشند و هم آموزنده؟ از کودکان و برای کودکان نوشتن کاری است بسیار دشوار که از هر کسی بر نمی آید. احترامی اما استاد این کار بود. نویسنده «پیر ما گفت...» امروز محبوب است زیرا هرگز بدنامی را به گمنامی ترجیح نداد و گذر زمان را ماندگاری اورا بر ای ما فاش می کند.

ستون استوار و قابل اتکای طنز

شاید خیلی ها طنز را با استند آپ کمدی های تلویزیون و شبکه های اجتماعی بشناسند. اهل مطالعه اما خوب می دانند طنز فخرم را مدیون کسانی هستیم که سال های پیش، فارغ از لایک و فالوور، طنز شان را به دور از لودگی و تمسخر می نوشتند و با آثار خنده آور و تفکر برانگیز کمک می کردند تا طنز جدی گرفته شود. اگر صفحات مجازی به کلیکی و لمسی بند باشند تا در یک لحظه محو شوند، ستون های محکمی مثل استاد احترامی،



این اشعار ساده در من ماند و من کودک خودم را برای دیگران تکرار کردم. او خودش هم کودک بسیار فهمیده ای بود و عقیده داشت که آدم نباید هیچ وقت آن بخش کودکانه را در خود بکشد!

از کودکان و بزرگان نوشتن

این خالق اشعار کودکانه، با اینکه هرگز از دواج نکرده و بچه ای نداشت اما برای بچه های سرود و بخشی از ادبیات کودکان را غنی کرد. شعرهای آهنگ داری که به آسانی در ذهن حک می شدند و زمزمه شان مایه یادگیری و آموزش غیر مستقیم بود. اگر امروز «سلام گلای تو خونه، مصلائی نمونه، همیشه یاد تو باشه اول اینستا بعد کتاب و...» ورد زبان برخی از کودکان و نوجوانان است باید از خودمان

به مناسبت دوازدهمین سالگرد درگذشت منوچهر احترامی، نویسنده، شاعر و طنز نویس

طنزنویسی که احترامش پابرجاست



نگار فیض آبادی

احترامی از نگاه دیگران

زندگی او اما فراتر از تاریخ زادروز و وفات اوست. زیرا فاصله بین تولد تا مرگش راه طوری پر کرد که دوستان و نزدیکانش از او به نیکی یاد می کنند. بهتر است برای بهتر شناختنش، او را از زبان همکاران و دوستانش بشناسیم که احترامی را مردی بی تکلف، ساده و متواضع می دانند و در درباره اش در مطبوعات بسیار نوشته اند. زنده یاد زرویی نصر آباد، شاعر و طنزنویس، درباره شخصیت این مرحوم و ارزش پیشگوسوتان گفته بود پیشگوسوتانی مثل احترامی با زامون و خطایی که در روزگار خود انجام داده اند، ما را از تکرار آن خطاهایی نیاز می کنند. آنها با حکم داوری خود، تشخیص در ستاد نادرست و سراسر نادرست برای ما امکان پذیری می کنند.

به گفته محمدرضا فیضی، طراح و کاریکاتوریست، شعرهای احترامی مثل ریتم حرکات بازی بود و می شد با آن بازی کرد. یادم هست وقتی توی کوچه کسی را می دیدم که می شلید یا لنگ لنگان راه می رفت این شعر را توی ذهنم می خواندم: «ما نمی خواهیم جنگ ببینیم/ کور و شل و لنگ ببینیم/ امضا کنید که جنگ نشه/ دنیا به ماها تنگ نشه/ ما نمی خواهیم یتیم بشیم/ گریه کنیم، آه بکشیم/ ما می خواهیم عروس بشیم/ ما می خواهیم داماد بشیم و...».

احترامی می گفت بعدها این ریتم و تأثیر

شعر معروف «حسنی نگو به دسته گل» جزو شعرهایی است که هر کودکی آن را به یاد می آورد. هم نسل های ما (و شاید بچه های امروز) در سفری خیالی به ده شلمرود می رفتند و با شخصیت حسنی (در مجموعه اشعار کودکانه حسنی) همراه می شدند. شعری که خالقش زنده یاد منوچهر احترامی، با آن عینک ته استکانی و سیبل های سفید و پریشانی است که ما را یاد پدر بزرگ های مهربان می اندازد. همان هایی که اگر پیش شان بروی هرگز دست خالی بر نمی گردی، مشقت احترامی به هموار پر از طنز زنده و اشعار کودکانه بود. به قول کومرث صابری فومنی، کلمه در دستان احترامی، مثل جواهری می ماند که می دانست کجا از آن استفاده کند. منوچهر احترامی در ۱۶ تیر ۱۳۲۰ به دنیا آمد و در ۲۳ بهمن ۱۳۸۷، رخت زندگی را از تن آورد و برای همیشه راهی سفر آخرت شد. وی طنزنویسی را به طور جدی از سال ۱۳۳۷ با مجله «توفیق» آغاز کرد و با مطبوعات دیگر و نیز رادیو و تلویزیون هم همکاری داشت. امضاهای مستعاری همچون «م. پسر خاله» و «الف - این کاره» از امضاهای اوست.